

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۱۸ دسمبر ۲۰۱۱

اکنونومیسیم

اکنونومیسیم یک ایدئولوژی و سیاست بورژوائی است که با ممانعت از پیشرفت امر پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری و محدود ساختن این جنبش به سطح اقتصادی و نفی نقش عناصر آگاه در ارتقاء مبارزات کارگری و بالاخره نفی ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگر، جنبش طبقه کارگر را به زیر سلطه و به دنباله روی از سیاست و منافع بورژوازی می کشاند.

اکنونومیسیم مبارزه اقتصادی پرولتاریا را مقدم بر مبارزه سیاسی و اهداف سیاسی و سوسیالیستی وی قرار می دهد. در حالی که کمونیست ها به گفته لنین: "مبارزه اقتصادی به مثابه زمینه ای جهت متشکل کردن کارگران در یک حزب انقلابی و به منظور تقویت و رشد و تکامل مبارزه طبقاتی آنان به ضد مجموعه نظام سرمایه داری، به خدمت گرفته می شود."

تظاهرات اکنونومیسیم در زمینه مقدم قرار دادن مسائل و مبارزات صنفی – اقتصادی کارگران بر مبارزه سیاسی و آرمان های سوسیالیستی آنان عبارتند از: کمک به پیشبرد مبارزه اقتصادی کارگران بدون توضیح اهداف سوسیالیستی و سیاسی جنبش کارگری، تبلیغ و ترویج سیاسی را فدای مبارزه اقتصادی کردن، اهمیت مبارزه سیاسی طبقه کارگر را تا سطح "مترقی ترین شکل وسیع و حقیقی مبارزه اقتصادی" پائین آوردن، مبارزه اقتصادی را به مثابه "وسیله ای که از همه وسیعتر برای جلب توده به مبارزه سیاسی قابل استفاده است" دانستن، تکامل مبارزه سیاسی را منوط به گذار از یک مرحله اقتصادی کردن...

اکنونومیسیم ها می کوشند تا جنبش پرولتاریا را تا سطح توده های قشر عقب مانده کارگران تنزل دهند و به عقب بکشاند. آنها غالباً از جانب فلان گروه از قشر تحتانی طبقه کارگر در فلان محل و این یا آن کانون یا سازمان صنفی کارگری و عمدتاً از احتیاجات فوری و خواست های ناچیز روزمره سخن می گویند. آنها خواست های کارگران عقب مانده را شاخص جنبش طبقه کارگر قرار می دهند و نه خواست های عناصر پیشرو انقلابی پرولتاریا را. آنها نمی خواهند درک کنند که وظیفه عناصر آگاه چنانکه لنین متذکر گردیده: "اینست که آگاهی

سیاسی توده را رشد داده و سطح آن را ارتقاء بخشند و نه این که در عقب توده ای که از هیچ گونه آگاهی سیاسی بر خوردار نیست لنگ لنگان حرکت نماید."

اکنون میسیم به جای پرداختن به وظائف کمونیست ها در قبال جنبش خود به خودی طبقه کارگر، یعنی هدایت آن در یک مسیر آگاهانه و تحت برنامه، به ستایش و سر فرو آوردن در برابر آن می پردازد. اکنون میسیم به پرستش جنبش خود به خودی و تبرئه نواقص و کمبود های نیرو های انقلابی در پاسخ دادن به نیازمندی ها و سمت دهی آگاهانه و انقلابی آن می پردازد. لنین خاطر نشان می سازد که:

"جنبش صد در صد خود به خودی نمی تواند ایدئولوژی مستقلی برای خویش تنظیم کند (...). در این صورت، قضیه فقط اینطور می تواند طرح شود: یا ایدئولوژی بورژوائی یا ایدئولوژی سوسیالیستی (...). بنابراین هر گونه سر فرود آوردن در مقابل جنبش خود به خودی، هر گونه کوچک کردن نقش عنصر آگاه (...). در عین حال معنایش (اعم از اینکه کوچک کننده بخواهد یا نخواهد) تقویت نفوذ ایدئولوژی بورژوائی در کارگران است."¹

اکنون میسیم، علاوه بر نفی کار تبلیغ و ترویج مستقل سیاسی و افشاءگری های همه جانبه سیاسی، اهمیت و ضرورت ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر را نیز رد می کند. اکنون میسیم به خرده کاری در بین کارگران علاقه مند است و با تشکل کمونیست ها برای ایجاد حزب کمونیست و ارتقاء مبارزات کارگری به یک مبارزه متشکل طبقاتی آگاه مخالفت می ورزد.

مبارزه با اکنون میسیم به مثابه یک جریان ضد مارکسیستی و بورژوائی در درون جنبش کارگری، یکی از وظائف بسیار خطیر مارکسیست – لنینیست ها است. بدون مبارزه علیه اکنون میسیم و طرد آن از جنبش کارگری، نمی توان سخنی از ارتقاء این جنبش به سطح یک جنبش طبقاتی آگاه و مستقل به میان آورد.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

¹ - لنین: "چه باید کرد؟"